

شیوه‌های مدیریت ریسک و عملکرد شرکت با نقش میانجی نوآوری مدل کسب‌وکار

فاطمه صمدی^{۱*}، احسان سراهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸

چکیده

مدیریت ریسک (شامل شناسایی، ارزیابی و کنترل ریسک‌ها) و عملکرد سازمانی از عوامل حیاتی موفقیت شرکت‌ها محسوب می‌شوند که در این میان، نوآوری در مدل کسب‌وکار نقش واسطه‌ای کلیدی ایفا می‌کند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مدیریت ریسک بر عملکرد شرکت‌ها با در نظر گرفتن نقش میانجی نوآوری در مدل کسب‌وکار می‌باشد. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی از نوع همبستگی و در زمره تحقیقات با ماهیت کاربردی-توصیفی قرار دارد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۵۰ شرکت بودند که در این محدوده فعالیت داشته‌اند و بازه زمانی آن از سه ماهه چهارم ۱۴۰۲ بوده است. به منظور گردآوری نمونه آماری از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده گردید و براساس فرمول کوکران، برای جامعه آماری تحقیق تعداد ۱۰۸ نفر از مدیران مالی، بازاریابی و میانی در شهرک صنعتی پیشواي تهران انتخاب شدند. برای جمع‌آوری مبنای نظری و پیشینه تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و سپس برای گردآوری داده‌ها از روش میدانی بهره گرفته شد و پرسش‌نامه استفاده شده در پژوهش از مطالعه النمیر و همکاران (۲۰۲۱) می‌باشد. داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS و PLS مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت ریسک تأثیر مستقیم و معناداری بر هر سه بعد عملکرد سازمانی (مالی، غیرمالی و محیطی) دارد. همچنین، مدیریت ریسک به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تقویت نوآوری در مدل کسب‌وکار نیز بر عملکرد سازمانی تأثیرگذار است. نوآوری در مدل کسب‌وکار به‌عنوان یک مکانیسم واسطه‌ای قوی عمل کرده و موجب بهبود عملکرد سازمانی در تمامی ابعاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های مدیریت ریسک، عملکرد شرکت، نوآوری مدل کسب‌وکار.

طبقه‌بندی موضوعی: G32, M10, O30, M12, L25, G31.

۱. گروه مدیریت، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه مدیریت، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Fatemeh.smadi@iau.ac.ir

۱. مقدمه

در عصر حاضر، فناوری‌ها با شتابی فزاینده در حال پیشرفت هستند و رقابت برای تأمین خواسته‌های مشتریان روزبه‌روز چالش‌برانگیزتر می‌شود، به‌طوری‌که ترجیحات و توقعات افراد به‌صورت پویا در حال دگرگونی است (اینسه و همکاران^۱ ۲۰۱۶). شرکت‌ها با بهره‌گیری از ابداعات و خلاقیت‌ها تلاش می‌کنند تا کارایی خود را ارتقا داده و موقعیت مالی خود را تقویت نمایند. فرآیند نوآوری، مکانیسمی چندبعدی است که از یافته‌های علمی جدید برای مقاصد اقتصادی استفاده می‌نماید. بخشی از این اطلاعات از طریق همکاری با نهادهای بیرونی کسب می‌گردد، بنابراین توانمندی در جذب و به‌کارگیری دانش خارج از سازمان، عنصری تعیین‌کننده در ظرفیت‌های ابداعی محسوب می‌شود (والرو و همکاران^۲ ۲۰۲۳).

خلاقیت و نوآوری، همچون سایر فعالیت‌های عملی، علاوه بر استعداد ذاتی، مستلزم تخصص، دقت و تلاش مستمر تمامی ذی‌نفعان است. شتاب فزاینده تحولات فنی، دگرگونی در ترجیحات مصرف‌کنندگان، تشدید رقابت صنعتی و رشد اقتصادی ازجمله مهم‌ترین چالش‌های پیشروی بنگاه‌های امروزی محسوب می‌شود که لزوم طراحی و اجرای راهبردهای کارآمد را برای تضمین تداوم فعالیت در محیط‌های پویا و مبهم ایجاب می‌نماید. در اقتصاد کنونی، حفظ برتری رقابتی در گرو توانایی در خلق ایده‌های بدیع است و نوآوری بیانگر کارآمدی راهکارهایی است که در سیاست‌گذاری‌های سازمانی نمود می‌یابد. به‌عبارت دیگر، با تمرکز بر ایده پردازی و راهکارهای نوین، شاخص‌های عملکردی ارتقا می‌یابد و درواقع، پیشرفت‌های علمی و فناورانه مرهون همین فرآیندهای ابداعی است. در شرایط کنونی که بازارها با نرخ بی‌سابقه‌ای در حال دگرگونی هستند، رویکردهای مدیریت ریسک به عاملی حیاتی در تضمین موفقیت و ثبات سازمان‌ها مبدل شده‌اند. مخاطرات مالی، اجرایی و راهبردی نه‌تنها می‌توانند به بازده کلی واحد تجاری لطمه وارد کنند، بلکه قابلیت واکنش به نوسانات

محیطی را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهند.

هم‌زمان، تحول در الگوهای تجاری به‌عنوان متغیری کلیدی در این فرآیند عمل می‌نماید. بازآفرینی مدل‌های کسب‌وکار شامل خلق ارزش‌های نوین برای مخاطبان و بهینه‌سازی مکانیسم‌های درون‌سازمانی است که می‌تواند به ارتقای توان مدیریتی و افزایش پایداری مؤسسات در مواجهه با چالش‌ها بینجامد (بوکن و همکاران^۳ ۲۰۱۴). بدین ترتیب، همکاری متقابل میان مدیریت ریسک و نوسازی الگوهای تجاری می‌تواند منجر به بهبود شاخص‌های سازمانی و خلق مزیت‌های رقابتی پایدار گردد. این تحقیق به واکاوی تأثیر تحول در مدل‌های تجاری به‌عنوان متغیر واسطه در ارتباط بین مکانیسم‌های مدیریت ریسک و عملکرد مؤسسات پرداخته و درصد ارائه درکی جامع‌تر از تعامل این سه مؤلفه است. بر این اساس، هدف نهایی این پژوهش بررسی تأثیر راهکارهای مدیریت ریسک بر عملکرد سازمانی با در نظر گرفتن نقش میانجی نوآوری در الگوهای تجاری است.

۲. بیان مساله و مبانی نظری

۲-۱. بیان مسئله

سیستم مدیریت ریسک به‌عنوان بخشی حیاتی از فرآیندهای تصمیم‌سازی سازمانی، شامل مکانیسم‌های سنجش مخاطرات و تدوین راهبردهایی برای تشخیص منابع تهدید است. این سیستم همچنین به تجزیه و تحلیل و اجرای اقدامات کنترلی برای مهار ریسک‌های احتمالی که می‌توانند خسارات جبران‌ناپذیری به سازمان وارد نمایند، می‌پردازد (پیرسو و همکاران^۴ ۲۰۱۸). در مؤسسات مالی، این نظام مدیریتی به عاملی تعیین‌کننده در ارزیابی عملکرد تبدیل شده است، چراکه این نهادها به‌صورت مستمر با چالش کاهش زیان‌های اقتصادی و کنترل مخاطرات مواجه هستند و بر توسعه روش‌های نوین مدیریت تهدیدات متمرکز می‌باشند (هوپر^۵ ۲۰۱۹).

1. Ince et al.
2. Valero et al.
3. Bocken et al.

4. Pierce et al.
5. Hopper

آدام و سلیمان^۱ ۲۰۲۳ نیز در پژوهش خود به ارتباط مستقیم بین شیوه‌های مدیریت ریسک و معیارهای عملکرد مالی در صنعت بانکداری دست‌یافته‌اند. بر این اساس، به‌کارگیری روش‌های مدیریت ریسک در چارچوب الگوهای راهبردی عملکرد، برای سازمان‌های پیشرو مزایای قابل‌توجهی به همراه دارد. برخی از تحقیقات اخیر به بررسی رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت‌ها پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که انواع مختلف نظام‌های کنترل ریسک بر شاخص‌های عملکردی تأثیرگذار هستند. چارچوب مدیریت نوآوری به‌عنوان راهنمای عمل برای سازمان‌های متعهد به ارتقای قابلیت‌های ابداعی عمل می‌کند.

در مواجهه با پیچیدگی‌های فزاینده اقتصادی و رقابتی، مدیریت ریسک به چالشی اساسی برای حفظ عملکرد مطلوب و انعطاف‌پذیری در برابر نوسانات بازار تبدیل شده است. در این زمینه، تحول در الگوهای تجاری می‌تواند به‌عنوان عامل واسطه در تقویت تأثیر روش‌های مدیریت ریسک بر عملکرد سازمان عمل نماید.

پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که مدل‌های نوآورانه به شرکت‌ها در شناسایی و کاهش مخاطرات کمک کرده و بهبود عملکرد کلی را در پی‌دارند (رابیوسو و همکاران، ۲۰۲۳)^۲. غفلت از این ارتباط و عدم بهره‌گیری از راهکارهای ابداعی ممکن است به قضاوت‌های نادرست در ارزیابی عملکرد و راهبردهای مدیریتی منجر شود که لزوم بررسی عمیق‌تر این موضوع را آشکار می‌سازد. تکنیک‌های نوین مدیریت ریسک مانند تحلیل کلان داده‌ها و الگوریتم‌های هوش مصنوعی، امکان شناسایی و ارزیابی دقیق‌تر تهدیدات را فراهم آورده و از طریق بهینه‌سازی فرآیندهای عملیاتی به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کنند. همچنین، نوسازی مدل‌های تجاری با خلق ارزش‌های جدید برای مشتریان می‌تواند به طراحی راهبردهای مؤثر در مدیریت ریسک یاری رسانده و عملکرد سازمانی را ارتقا بخشد. با بهره‌گیری از این نوآوری‌ها، سازمان‌ها نه تنها قادر به پاسخگویی

به چالش‌های موجود خواهند بود، بلکه می‌توانند فرصت‌های جدیدی را شناسایی و از آن‌ها بهره‌برداری نمایند که این امر به تقویت مزیت رقابتی می‌انجامد. این چرخه تحول‌آفرین موجب بهبود مستمر عملکرد سازمان و ایجاد محیطی پویا و یادگیرنده می‌شود. با توجه به کمبود پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه نقش نوآوری در ارتباط بین عملکرد سازمانی و مدیریت ریسک، و با در نظر گرفتن این واقعیت که سازمان‌ها می‌توانند از طریق به‌کارگیری توانمندی‌ها، راهبردها و منابع تجاری با مخاطرات مقابله کرده و به رشد کارآفرینی و ارتقای عملکرد دست یابند، سوال اصلی این پژوهش این است که میزان تأثیرگذاری نوآوری به‌عنوان متغیر میانجی در مدل کسب‌وکار در رابطه بین روش‌های مدیریت ریسک و عملکرد شرکت به چه صورت است.

۲-۲. مبانی نظری پژوهش

در این پژوهش به بررسی تأثیرگذاری نوآوری به‌عنوان یک متغیر میانجی در مدل کسب‌وکار پرداخته شده است که به دنبال رابطه بین روش‌های مدیریت ریسک و عملکرد شرکت می‌باشیم. بنابراین یافتن رابطه بین سه متغیر نوآوری و عملکرد و مدیریت ریسک بسیار حایز اهمیت می‌باشد.

در محیط کار پویای امروزی نوآوری منبع با ارزشی برای مزیت رقابتی است و یک عامل مهم در موفقیت و مزیت رقابتی سازمان‌ها است (میر، کاسادسوس و پنچی^۳ ۲۰۱۶). نوآوری یکی از عوامل مهم و حیاتی سازمان‌ها به‌منظور ایجاد ارزش و مزیت رقابتی پایدار است. سازمان‌ها با نوآوری بیشتر، در پاسخ به محیط‌های متغیر برای ایجاد و توسعه قابلیت‌های جدیدی که به آنها اجازه دهد به عملکرد بهتری برسند، موفق‌تر خواهد بود (پیس، پلیکر، آلارکون و کوررا^۴ ۲۰۱۵). نوآوری یک نظام مدیریتی است که بر رسالت سازمان تأکید دارد، به دنبال فرصت‌های استثنایی است و تعیین می‌کند که آیا مناسب مسیر استراتژیک سازمان است یا خیر، معیارهای موفقیت را معلوم

1. Adam and Soliman.

2. Rabbiosi et al.

3. Mir, M., Casadesús, M., & Petnji, L. H

4. Yepes, V., Pellicer, E., Alarcón, L. F., & Correa, C. L.

می‌کند و نیز به دنبال فرصتهای جدید است. دراکر براین باور است که نوآوری موفق مستلزم کارسخت متمرکز و هدفمند است. نوآوری یک عامل اساسی در ایجاد رقابت در سطح جهانی است که منجر به رشد سازمانی می‌شود، موفقیت آینده را دربردارد و همانند موتوری است که به شرکتها اجازه می‌دهد در اقتصاد جهانی از کارایی مستمری برخوردار شوند و نوآوری عبارتست از توانایی بهبود و اصلاح فناوریهای موجود و توسعه و خلق فناوریهای جدید به منظور معرفی به بازار و خلق مزیت رقابتی در محیط نوآوری، به عنوان موتور محرک اقتصاد توسعه یافته مبتنی بر دانش و فناوری، شرط بقا در بازار جهانی لازمه تعامل مقتدرانه با سایر کشورهاست. بنگاه‌ها نوآوری‌های خود را در انزوا انجام نمی‌دهند، بلکه نوآوری و توسعه فناوری، نتیجه مجموعه پیچیده‌ای از روابط بین شبکه‌ای از سازمان‌ها و نهادها در بخش‌های عمومی و خصوصی است که فعالیت و تعامل آن‌ها باعث نوآوری در قالب نظام‌های نوآوری می‌شود. (دانش کهن، الیاسی، پيله وری طباطبایی و بافقی، ۱۳۹۴).

فارغ از اینکه نوآوری دارای چه انواعی است یا رویکردهای مختلف به آن کدام‌ها هستند، نکته اساسی و قابل تأمل در ارتباط با نوآوری در این مسئله نهفته است که نوآوری باید در کارکردهای سازمانی و استراتژیهای آن نمود پیدا کند تا منجر به خلق ارزش در محصولات و یا خدماتی گردد که در پاسخ به یک نیاز بازار ایجاد می‌شوند (کارایانیس و همکاران، ۲۰۱۵).

از سوئی دیگر محققان ادعا می‌کنند که دو دسته از منابع یعنی منابع درونی و منابع بیرونی منجر به ارتقای قابلیت‌های نوآوری بنگاه می‌گردد. منابع درونی شامل یادگیری درونی، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، آزمایش‌های غیررسمی، فرآیندها و سازماندهی، آموزش درونی نیروی انسانی و ... می‌شود. منابع بیرونی شامل تامین کنندگان، مشتریان، نهادهای دولتی و انجمن‌های صنعتی و اتحادیه‌ها می‌گردد. محققان ادعا

می‌کنند که تعامل با این منابع مستلزم ایجاد توانمندی‌هایی در درون بنگاه است که پرونداد آن جذب دانش و اطلاعات ضروری برای خلق و توسعه فناوریهای جدید در درون بنگاه است (سانیل و اوکو^۲، ۲۰۱۴).

از جنبه‌های عملکردی سازمان‌ها که به طور سنتی، بسیار مورد توجه قرار داشته است، جنبه مالی آن‌هاست. از آنجا که کسب سود، هدف اصلی بسیاری از شرکت‌ها قلمداد می‌شود، عملکرد مالی و اندازه‌گیری آن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اغلب در مطالعات مربوط به عملکرد مالی بر تعیین روابط بین سنج‌های مالی و تاثیر آنها روی عملکرد شرکتها تاکید شده و در این راستا نیز بیشتر از مدلهای رگرسیونی جهت نشان دادن میزان اثرگذاری هر یک از این سنج‌ها روی عملکرد بهره گرفته شده است. (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۷)

عملکرد عبارت است از دستیابی به اهداف سازمانی و اجتماعی یا فراتر رفتن از آن‌ها و انجام مسوولیت‌هایی که سازمان به عهده دارد. در گذشته، شاید سازمان‌ها اهمیت معیارهای غیر مالی را درک می‌کردند، اما قادر به ترکیب آن‌ها با گزارش‌های عملکرد مربوط به سطوح ارشد نبودند چون این معیارها نسبت به معیارهای مالی از شفافیت کمتری برخوردارند و مدیریت ارشد، در استفاده از آن‌ها مهارت کمتری دارد. (رحیمی و درویشی، ۱۳۹۴)

عملکرد سازمانی مجموعه‌ای است شامل نتایج سازمان و فرایندهایی که آنها را پدید می‌آورند، در این تعریف نتایج سازمان شامل خروجی‌ها، پیامدها و تاثیرات می‌باشند. بنابراین می‌توان عملکرد را مجموعه‌ای از فرایندها، خروجی‌ها، پیامدها و تاثیرات در نظر گرفت. بدیهی است چنانچه مایل باشیم میزان موفقیت یک سازمان یعنی عملکرد آن را اندازه‌گیری کنیم باید تمامی عناصر فوق را مدنظر داشته باشیم. بر اساس این تعریف ورودی‌ها جز عملکرد یک سازمان محسوب نمی‌شوند اما قطعاً در سایر عناصر عملکرد تاثیرگذار هستند. ارزیابی عملکرد یک سازمان را نسبت به ورودی‌های دریافتی مدنظر قرار داد و یا

فرایندهایی را کنترل کرد که ورودی‌های مناسب را برای سازمان جذب می‌کنند.

مفهوم ریسک نقشی اساسی در بازار مالی دارد، بنابراین باید شناخته و اندازه‌گیری شود و برنامه‌ای در نظر گرفته شود که بتواند ریسک‌های غیرضروری را از بین ببرد و ریسک‌های مرتبط با فرصت را مدیریت کند. همچنین لازم به یادآوری است که ریسک لزوماً یک پدیده منفی نیست، اما با هر فرصتی، یک خطر وجود دارد و اصولاً نمی‌توان همه ریسک‌ها را از بین برد، زیرا همه فرصت‌ها از این طریق برطرف می‌شوند. به همین دلیل، حوزه علمی - حرفه‌ای مهندسی مالی، با مدیریت ریسک و ایجاد فرصت‌ها، راه‌حل‌های آشکاری را ارائه می‌دهد و صاحبان صنایع را با شرایط ایمن‌تری فراهم می‌کند تا بتوانند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری خود را به‌صورت بهینه انجام دهند (لایل و همکاران^۱، ۲۰۱۳). به طور کلی، مدیریت ریسک فرایند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌هایی برای اداره ریسک است. در مجموع استراتژی‌های به کار رفته شامل:

- انتقال ریسک به بخشهای دیگر

- اجتناب از ریسک

- کاهش اثرات منفی ریسک

- پذیرش قسمتی یا تمامی پیامدهای یک ریسک خاص هستند.

مدیریت ریسک سنتی، تمرکزش روی ریسکهای جلوگیری کننده از علل قانونی و فیزیکی بود (مثل حوادث طبیعی یا آتش‌سوزی‌ها، تصادفات، مرگ و میر و دادخواهی‌ها). مدیریت ریسک مالی از سوی دیگر تمرکزش روی ریسک‌هایی است که می‌تواند استفاده از ابزار مالی و تجاری را اداره کند. مدیریت ریسک ناملوس، تمرکزش روی ریسک‌های مربوط به سرمایه انسانی، مثل ریسک دانش، ریسک روابط و ریسک فرایندهای عملیاتی است. بدون توجه به نوع مدیریت ریسک، تمامی شرکت‌های بزرگ دارای تیم‌های مدیریت ریسک هستند و شرکتها و گروه‌های کوچک به صورت غیر رسمی در صورت

عدم وجود نوع رسمی آن، مدیریت ریسک را مورد استفاده قرار می‌دهند. در مدیریت ریسک مطلوب، یک فرایند اولویت‌بندی منظور گردیده که بدان طریق ریسک‌هایی با بیشترین زیان‌دهی و بالاترین احتمال وقوع در ابتدا و ریسک‌هایی با احتمال وقوع کمتر و زیان‌دهی پایین‌تر در ادامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

۲-۳. پیشینه پژوهش

ریکاردیانتو و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان ویژگی‌های نوآوری مالی و عملکرد بانکی با اثر واسطه‌ای مدیریت ریسک: بیان کردند؛ که تأثیر قابل توجه مدیریت ریسک بر روابط الزام‌آور ویژگی‌های نوآوری مالی (ریسک) را نشان می‌دهد. درواقع، به نظر می‌رسد که بانک‌های خصوصی تونس به محصولات بانکی و پیشرفت‌های فناوری مرتبط با خدمات واکنش مثبت نشان می‌دهند تا بتوانند ریسک‌های بانکی را به‌طور مؤثر مدیریت کنند و عملکرد بانکی را ارتقا دهند.

سلمازاده و همکاران^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر نوآوری مدل کسب‌وکار بر مدیریت بحران با نقش واسطه‌ای قابلیت کارآفرینی، تاب‌آوری و عملکرد تجاری: بیان کردند؛ که نوآوری مدل کسب‌وکار می‌تواند به مدیریت بهتر بحران منجر شود. علاوه بر این، مؤلفه‌های قابلیت کارآفرینی، تاب‌آوری و عملکرد تجاری نقش میانجی داشتند.

ویجایا و رحمانیاتی^۴ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر قابلیت مدیریت دانش بر عملکرد شرکت نقش واسطه‌ای نوآوری مدل کسب‌وکار: بیان کردند؛ با توجه به نتایج PLS-SEM، رابطه بین قابلیت مدیریت داخلی و عملکرد شرکت معنادار نیست، در عوض به‌طور کامل توسط قابلیت مدیریت دانش کارایی محور و تازگی محور توجیه می‌شود. قابلیت مدیریت دانش خارجی می‌تواند به‌طور مستقیم و مثبت بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد، درحالی‌که این رابطه نیز تا حدی توسط نوآوری بیان می‌شود.

1. Lyle, M. R., et al.
2. Ricardianto et al

3. Salamzadeh et al
4. Wijaya and Rahmayanti

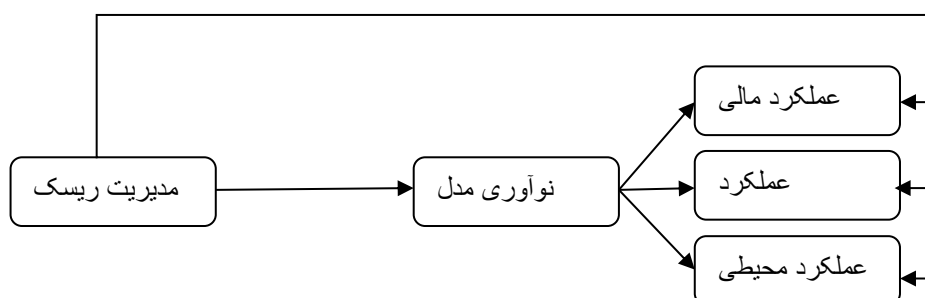
روابط مدیریتی بر نوآوری‌های مدل کسب‌وکار با مقدار $(\beta=0/841)$ ، روابط مدیریتی بر عملکرد شرکت با مقدار $(\beta=0/686)$ ؛ نوآوری‌های مدل کسب‌وکار بر عملکرد شرکت با مقدار $(\beta=0/810)$ تأثیر داشته است. همچنین، روابط مدیریتی از طریق نوآوری‌های مدل کسب‌وکار بر عملکرد شرکت با مقدار $(0/640)$ ، آشفته‌گی محیطی، رابطه بین روابط مدیریتی و عملکرد شرکت با مقدار $(0/150)$ را تحت تأثیر قرار داده است. روابط مدیریتی در دسترسی به منابع محدود و همچنین کسب اطلاعات موردنیاز در زمینه تحقیق و توسعه که با آن می‌توان به نوآوری واکنش به تغییرات در بازارهای آشفته دست‌یافت، مؤثر است و از این طریق می‌توان به بهبود عملکرد شرکت کمک کرد.

عارف منش و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی نشان دادند رابطه مزیت رقابتی با عملکرد شرکت به لحاظ آماری معنی‌دار نیست، اما مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی‌داری با مزیت رقابتی و عملکرد شرکت دارد. همچنین، رابطه سواد مالی با مزیت رقابتی مثبت و معنی‌دار است. نقش میانجی‌تر مزیت رقابتی در رابطه مدیریت ریسک با عملکرد شرکت مورد تأیید قرار نمی‌گیرد، اما نقش تعدیل‌گر سواد مالی در رابطه مدیریت ریسک با مزیت رقابتی پذیرفته می‌شود.

عطار و بی طرف (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر قابلیت‌های مدیریت دانش و ریسک‌پذیری سازمانی برای نوآوری مدل کسب‌وکار با انتخاب ۲۴۸ نفر از بین مدیران کارخانه‌های کاشی استان یزد پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که قابلیت‌های مدیریت دانش داخلی بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد. قابلیت‌های مدیریت دانش خارجی بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد. قابلیت‌های مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار با نقش تعدیل‌گر تحمل ریسک‌پذیری سازمانی تأثیر معناداری دارد. قابلیت‌های مدیریت دانش خارجی بر نوآوری مدل کسب‌وکار با نقش تعدیل‌گر تحمل ریسک‌پذیری سازمانی تأثیر معناداری دارد. مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد. ساختار مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری ندارد. فناوری مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری ندارد. فرایند کسب مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد. فرایند تبدیل مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد. فرایند درخواست مدیریت دانش بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیر معناداری دارد.

شریف زادگان و فاضلی مطلق (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر روابط مدیریتی بر عملکرد شرکت با نقش میانجی نوآوری مدل کسب‌وکار و تعدیل‌گری آشفته‌گی محیطی: بیان کردند

۳. مدل مفهومی پژوهش



۴. فرضیه‌های پژوهش

- (۱) شیوه‌های مدیریت ریسک بر عملکرد مالی سازمان تأثیرگذار است.
- (۲) شیوه‌های مدیریت ریسک بر عملکرد غیرمالی سازمان تأثیرگذار است.
- (۳) شیوه‌های مدیریت ریسک بر عملکرد محیطی سازمان تأثیرگذار است.
- (۴) شیوه‌های مدیریت ریسک بر نوآوری مدل کسب‌وکار تأثیرگذار است.
- (۵) نوآوری مدل کسب‌وکار بر عملکرد مالی سازمان تأثیرگذار است.
- (۶) نوآوری مدل کسب‌وکار بر عملکرد غیرمالی سازمان تأثیرگذار است.
- (۷) نوآوری مدل کسب‌وکار بر عملکرد محیطی تأثیرگذار است.
- (۸) نوآوری کسب‌وکار بر ارتباط بین شیوه‌های مدیریت ریسک و عملکرد مالی تأثیرگذار است.
- (۹) نوآوری کسب‌وکار بر ارتباط بین شیوه‌های مدیریت ریسک و عملکرد غیرمالی تأثیرگذار است.
- (۱۰) نوآوری کسب‌وکار بر ارتباط بین شیوه‌های مدیریت ریسک و عملکرد محیطی تأثیرگذار است.

۵. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از جنبه هدف، ماهیتاً کاربردی و از نظر روش اجرا، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود و با توجه به نوع پردازش داده‌ها در دسته مطالعات همبستگی قرار می‌گیرد. کاربردی بودن این تحقیق به دلیل قابلیت بهره‌برداری از نتایج آن توسط سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی است و توصیفی بودن آن ناشی از تمرکز بر بررسی روابط موجود بین متغیرها در شرایط کنونی است.

این پژوهش در دو مرحله اصلی و با بهره‌گیری از دو شیوه متفاوت اجرا شده است. در گام نخست، برای استخراج چارچوب نظری و بررسی سوابق پژوهشی، از شیوه مرور منابع

کتابخانه‌ای بهره گرفته شده، در ادامه جهت کسب اطلاعات لازم از شیوه پژوهش عملیاتی استفاده شده است. ابزار پرسشنامه که از متداول‌ترین روش‌های جمع‌آوری اطلاعات میدانی محسوب می‌شود، در این مطالعه به کار گرفته شد. طراحی پرسش‌نامه پژوهش با الهام از منابع مورد استفاده در مقالات مرتبط و همچنین با استناد به مطالعه النمیر و همکاران (۲۰۲۱) صورت پذیرفت.

جامعه آماری مورد بررسی در این مطالعه شامل کارشناسان مالی، متخصصان بازاریابی و مدیران ارشد شاغل در واحدهای تولیدی و خدماتی واقع در شهرک صنعتی پیش‌شای تهران بوده است. در فرآیند نمونه‌گیری، از تکنیک هدفمند با در نظر گرفتن گروه‌های همگن از نظر ویژگی‌های مورد مطالعه استفاده شد. بر اساس آمار موجود، حدود ۱۵۰ شرکت در این محدوده فعالیت داشته‌اند که با به‌کارگیری فرمول کوکران، حجم نمونه به ۱۰۸ واحد رسید. این نمونه‌ها مبنای تحلیل‌های پژوهش قرار گرفتند. قلمرو زمانی پژوهش حاضر یک دوره سه ماهه از دی تا اسفندماه ۱۴۰۲ به منظور جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها بوده است. فرآیند تحلیل اطلاعات در دو حوزه آماری توصیفی و تحلیلی پیگیری شده است. بخش توصیفی به تشریح یافته‌های پژوهشی شامل مشخصات دموگرافیک جامعه مورد بررسی که عبارتند از ویژگی‌های جمعیت شناختی جنسیت، سن، سطح تحصیلات و پیشینه شغلی و پردازش‌های آماری مانند توزیع فراوانی و نمایش گرافیکی داده‌ها می‌پردازد. در مقابل، بخش تحلیلی به آزمون فرضیه‌ها و کشف روابط احتمالی میان عوامل مورد بررسی اختصاص یافته است. به منظور ارزیابی فرضیات تحقیق و تحلیل روابط درونی متغیرها، از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردیده و نرم‌افزارهای آماری Smart PLS و PLS به‌عنوان ابزارهای تحلیل داده انتخاب شده‌اند.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶-۱. آمار توصیفی

عوامل جمعیت شناختی مانند جنسیت، سن، سطح تحصیلات و پیشینه شغلی، ابزارهای اساسی برای تحلیل ساختارهای اجتماعی و اقتصادی هستند. جنسیت می‌تواند تعیین‌کننده نوع فعالیت‌ها و مسئولیت‌های افراد باشد و بر موقعیت‌های شغلی و آموزشی آن‌ها تأثیر بگذارد. سن نیز شاخصی مهم برای شناسایی مراحل مختلف زندگی و ترجیحات

افراد محسوب می‌شود. سطح تحصیلات بیانگر میزان دانش و مهارت‌های افراد است و معمولاً با بهبود شرایط شغلی و درآمدی همراه است. همچنین، سابقه کاری نشان‌دهنده تجربیات عملی افراد بوده و می‌تواند موقعیت شغلی و اقتصادی آن‌ها را مشخص کند. بررسی این عوامل به پژوهشگران کمک می‌کند تا راهبردهای مناسب برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی را طراحی کنند.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناسی

شاخص	فراوانی	درصد	شاخص	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۷۸	۷۲.۲	کارشناسی	۴۳	۳۹.۸
	زن	۳۰	۲۷.۸	کارشناسی ارشد	۴۷	۴۳.۵
	مجموع	۱۰۸	۱۰۰	دکتر	۱۸	۱۶.۷
سن	کمتر از ۴۰ سال	۲۱	۱۹.۴	مجموع	۱۰۸	۱۰۰
	بین ۴۰ تا ۴۵ سال	۲۹	۲۶.۹	کمتر از ۱۰ سال	۱۸	۱۶.۷
	۴۵ تا ۵۰ سال	۳۸	۳۵.۲	۱۰ تا ۱۵ سال	۲۹	۲۶.۹
	بالتر از ۵۰ سال	۲۰	۱۸.۵	۱۵ تا ۲۰ سال	۴۷	۴۳.۴
	مجموع	۱۰۸	۱۰۰	بالتر از ۲۰ سال	۱۴	۱۳
				مجموع	۱۰۸	۱۰۰

۶-۲. بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف یک روش ناپارامتریک برای سنجش نرمال بودن داده‌هاست که در آن توزیع مشاهده‌شده با توزیع نرمال نظری مقایسه می‌شود. در این روش، ابتدا تابع توزیع تجربی محاسبه‌شده و سپس بیشترین اختلاف بین این تابع و تابع توزیع نرمال (بر اساس میانگین و انحراف معیار داده‌ها) اندازه‌گیری می‌شود. با محاسبه p-value مربوط به این

اختلاف، در صورتی که مقدار آن از سطح معناداری (مثلاً ۰.۰۵) کمتر باشد، فرض نرمال بودن داده‌ها رد می‌شود. این آزمون به دلیل سادگی اجرا و عدم نیاز به پیش‌فرض‌های پیچیده، در تحقیقات مختلف کاربرد گسترده‌ای دارد. نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع نرمال متغیرها

مؤلفه‌ها	مدیریت ریسک	عملکرد مالی	عملکرد غیرمالی	عملکرد محیطی	نوآوری کسب و کار
کولموگروف اسمیرنوف	۲/۳۵	۲/۳۶	۲/۱۵	۱/۹۷	۲/۸۹
سطح معنی‌داری	۰/۰۵۹	۰/۰۵۵	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۵۸

نتایج این آزمون نشان می‌دهد سطح معناداری متغیرهای تحقیق بیشتر از ۰.۰۵ است لذا فرضیه نرمال بودن متغیرها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۳-۶. آمار استنباطی

تحلیل استنباطی تحقیق حاضر مشتمل بر آزمون مدل علی تحت برنامه SmartPls بوده که با تشریح کامل به آن پرداخته شده است.

نتایج بررسی روایی (تحلیل عاملی تأییدی)

برای اطمینان از اعتبار مدل ساختاری، ابتدا باید بارهای عاملی (ضرایب رگرسیونی) گویه‌های پرسشنامه بررسی شوند تا مشخص شود که آیا مدل‌های اندازه‌گیری از برازش مناسبی

برخوردارند یا خیر. این فرآیند با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) و نرم‌افزار PLS انجام شد. سپس هر مدل اندازه‌گیری به صورت جداگانه و در نهایت مدل کلی ارزیابی گردید. برای سنجش کفایت نمونه‌گیری، از شاخص KMO و آزمون بارتلت استفاده شد. شاخص KMO که مقداری بین ۰ تا ۱ دارد، نشان می‌دهد که داده‌ها تا چه حد برای تحلیل عاملی مناسب هستند (مقادیر نزدیک به ۱ مطلوب‌ترند). آزمون بارتلت نیز بررسی می‌کند که آیا ماتریس همبستگی داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است یا خیر. اگر سطح معناداری این آزمون کمتر از ۰.۰۵ باشد، تحلیل عاملی قابل اجراست. نتایج این دو شاخص در جدول (۳) نمایش داده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون بارتلت و شاخص KMO برای متغیرهای تحقیق

مؤلفه‌ها	مدیریت ریسک	عملکرد مالی	عملکرد غیرمالی	عملکرد محیطی	نوآوری کسب‌وکار
شاخص KMO	۰.۸۵۸	۰.۷۳۹	۰.۷۸۰	۰.۷۴۸	۰.۷۸۵
آزمون بارتلت	۰.۰۰۳	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱

نتایج بررسی پایایی

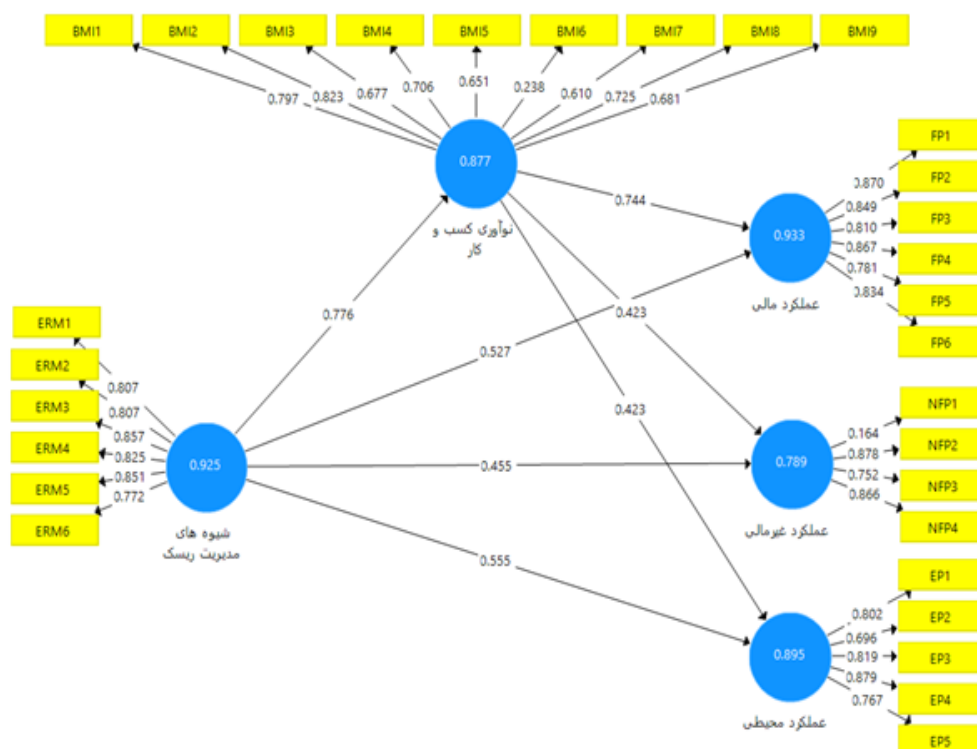
برای سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، مقادیر این ضریب برای تمام متغیرهای پژوهش بالاتر از ۰.۷ بود، که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مناسب ابزار اندازه‌گیری است.

نتایج آزمون بررسی شاخص‌های KMO و بارتلت نشان داد که داده‌های پژوهش از کفایت نمونه‌گیری لازم برخوردارند. مقادیر KMO برای تمام متغیرها بالاتر از ۰.۵ و سطح معناداری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۰.۰۵ بود. این نتایج حاکی از آن است که نمونه انتخاب‌شده برای انجام تحلیل عاملی مناسب بوده است.

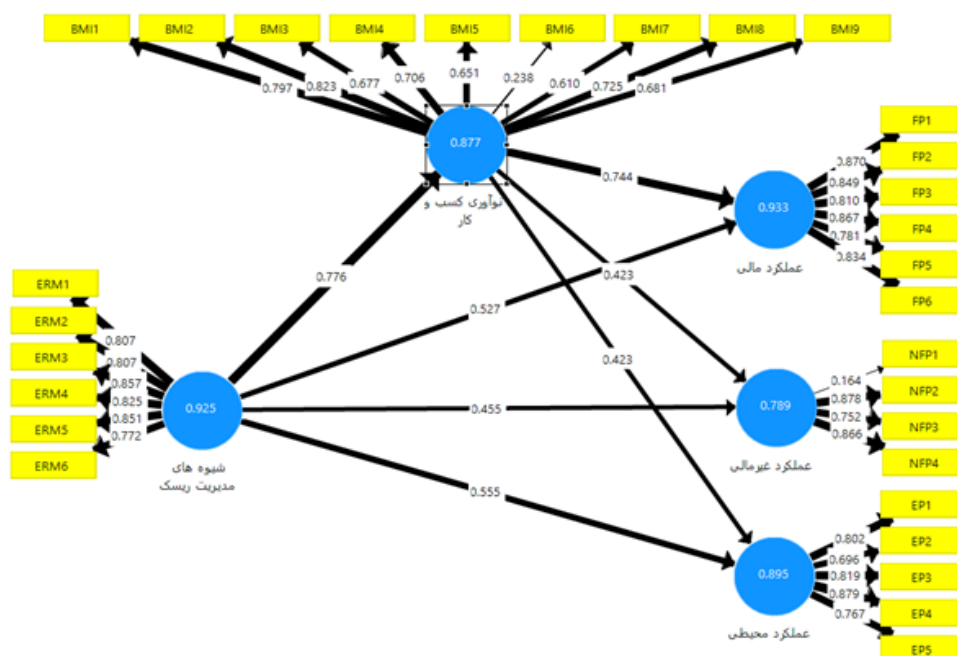
جدول ۴. ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای اصلی تحقیق

مؤلفه‌ها	مدیریت ریسک	عملکرد مالی	عملکرد غیرمالی	عملکرد محیطی	نوآوری کسب‌وکار
آلفای کرونباخ متغیرها	۰.۷۵	۰.۷۸	۰.۷۷	۰.۷۴	۰.۷۹

نتایج فرضیات پژوهش



شکل ۱. ضرایب مسیر استاندارد فرضیه های اصلی پژوهش



شکل ۲. نتایج آزمون بررسی معناداری فرضیه های اصلی پژوهش

ضریب مسیر نشان می‌دهد شیوه‌های مدیریت ریسک به میزان ۰.۵۲ بر عملکرد مالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه اول؛ شیوه‌های مدیریت ریسک به طور قابل توجهی بر عملکرد مالی سازمان تأثیر می‌گذارد.

فرضیه دوم؛ شیوه‌های مدیریت ریسک به طور قابل توجهی بر عملکرد غیرمالی سازمانی تأثیر می‌گذارد. ضریب مسیر نشان می‌دهد شیوه‌های مدیریت ریسک به میزان ۰.۴۵ بر عملکرد مالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه سوم؛ شیوه‌های مدیریت ریسک به طور قابل توجهی بر عملکرد محیطی سازمانی تأثیر می‌گذارد. ضریب مسیر نشان می‌دهد شیوه‌های مدیریت ریسک به میزان ۰.۵۵ بر عملکرد غیرمالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه چهارم؛ شیوه‌های مدیریت ریسک به طور قابل توجهی بر نوآوری مدل کسب و کار تأثیر می‌گذارد. ضریب نشان می‌دهد شیوه‌های مدیریت ریسک به میزان ۰.۷۷ بر مدیریت نوآوری تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه پنجم؛ نوآوری مدل کسب و کار به طور قابل توجهی بر عملکرد مالی سازمان تأثیر می‌گذارد. ضریب مسیر نشان می‌دهد نوآوری مدل کسب و کار به میزان ۰.۷۴ بر عملکرد مالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه ششم؛ نوآوری مدل کسب و کار به طور قابل توجهی بر عملکرد غیرمالی سازمانی تأثیر می‌گذارد. ضریب مسیر نشان می‌دهد نوآوری مدل کسب و کار به میزان ۰.۴۲ بر عملکرد غیرمالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه هفتم؛ نوآوری مدل کسب و کار به طور قابل توجهی بر عملکرد محیطی تأثیر می‌گذارد.

جدول (۵) نتایج حاصل از روش بوت استرپ جهت معناداری نقش میانجی

مسیر	اثر غیرمستقیم	مقدار بوت استرپ		آماره t	سطح معناداری
		حد بالا	حد پایین		
فرضیه هشتم مدیریت ریسک - نوآوری کسب‌وکار - عملکرد مالی	۰.۱۹۴	۰.۲۶۳	۰.۱۲۹	۵.۸۸۲	۰.۰۰۰
فرضیه نهم مدیریت ریسک - نوآوری کسب‌وکار - عملکرد غیرمالی	۰.۱۸۸	۰.۲۵۰	۰.۱۰۷	۶.۴۶۵	۰.۰۰۰
فرضیه دهم مدیریت ریسک - نوآوری کسب‌وکار - عملکرد محیطی	۰.۲۰۲	۰.۲۸۹	۰.۱۶۷	۸.۷۴۶	۰.۰۰۰

ضریب مسیر نشان می‌دهد نوآوری مدل کسب و کار به میزان ۰.۴۲ بر عملکرد محیطی تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه هشتم؛ ارتباط بین شیوه‌های مدیریت ریسک و عملکرد مالی با نقش میانجی نوآوری مدل کسب و کار انجام می‌شود. برای بررسی این فرضیه از روش بوت استرپ استفاده شده است. در این روش چنانچه مقدار حد پایین و حد بالای بوت استرپ هر دو مثبت و یا هر دو منفی باشند و صفر مابین این دو حد قرار نگیرد، در آن صورت مسیر غیر مستقیم معنادار بوده و فرضیه پذیرفته خواهد شد. همچنین اگر سطح معناداری کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ باشد اثر غیرمستقیم پذیرفته می‌شود.

برای آزمون فرضیات هشتم تا دهم، از روش بوت‌استرپ استفاده شد. در این روش، اگر فاصله اطمینان محاسبه‌شده شامل صفر نباشد و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد، اثر غیرمستقیم معنادار در نظر گرفته می‌شود.

بررسی ضرایب مسیر در مدل ساختاری (شکل ۲) نشان داد که روش‌های مدیریت ریسک تأثیر مستقیم و معناداری بر عملکرد مالی (۰.۵۲)، عملکرد غیرمالی (۰.۴۵) و عملکرد محیطی (۰.۵۵) دارند. همچنین، مدیریت ریسک تأثیر قابل توجهی بر نوآوری در مدل کسب‌وکار (۰.۷۷) دارد. از سوی دیگر، نوآوری در مدل کسب‌وکار نیز به صورت مستقیم بر عملکرد مالی (۰.۷۴)، عملکرد غیرمالی (۰.۴۲) و عملکرد محیطی (۰.۴۲) تأثیرگذار است. بر این اساس، فرضیات اول تا هفتم پژوهش تأیید می‌شوند.

می‌دهد که این ترکیب می‌تواند منجر به افزایش انعطاف‌پذیری و قابلیت‌های رقابتی در محیط‌های پویا شود.

همچنین، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نوآوری در مدل کسب‌وکار به‌عنوان یک عامل تسهیل‌گر در تقویت رابطه بین مدیریت ریسک و عملکرد مالی، غیرمالی و محیطی عمل می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، شرکت‌هایی که به توسعه مدل‌های نوآورانه کسب‌وکار می‌پردازند، بهتر می‌توانند عملکرد خود را در مواجهه با ریسک‌های مختلف بهبود بخشند. این یافته‌ها با تحقیقات (خان و همکاران^۴، ۲۰۲۱) که به تأثیر مثبت نوآوری بر مدیریت ریسک و عملکرد اشاره کرده‌اند، همخوانی دارد. همچنین، مطالعه (دوه و کیم^۵، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که نوآوری در مدل کسب‌وکار می‌تواند به کاهش مخاطرات محیطی و ارتقای بهره‌وری مالی کمک کند. بنابراین، این پژوهش بر اهمیت نوآوری به‌عنوان یک محرک کلیدی در تقویت ارتباط بین مدیریت ریسک و عملکرد سازمانی تأکید دارد و نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری در حوزه نوآوری می‌تواند به بهبود عملکرد در تمامی سطوح سازمان بیانجامد.

پیشنهادهای مبتنی بر یافته‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص تأثیر مثبت شیوه‌های مدیریت ریسک بر عملکرد مالی، پیشنهاد می‌شود با ادغام شیوه‌های مدیریت ریسک در فرآیندها و ارتقا فرهنگ سازمانی، برای کاهش ریسک‌ها با افزایش عملکرد مالی تضمین ثبات و رشد در یک محیط رقابتی را فراهم آورند. همچنین با توجه به تأثیر مثبت شیوه‌های مدیریت ریسک بر عملکرد غیر مالی، پیشنهاد می‌شود مدیران کسب و کار با درک عوامل اصلی نوآوری، راه کار کسب و کار را هموارتر سازند و از طریق اتخاذ شیوه‌های نوآوری که عملکرد بالاتری را ارائه و بهبود منابع را تضمین می‌کند، رویدادهای به وجود آورنده فرصت، در فرآیند تعیین راهبرد و اهداف مورد توجه قرار داده و بدین ترتیب فعالیتها به گونه ای برنامه ریزی نمایند که از

همان‌طور که در جدول (۵) مشخص است، در هر سه فرضیه، سطح معناداری ۰.۰۰۰ و مقدار آماره T بیشتر از ۱.۹۶ بود. همچنین، فاصله اطمینان در هیچ‌کدام شامل صفر نبود. بنابراین، نقش میانجی نوآوری در مدل کسب‌وکار در هر سه فرضیه تأیید می‌شود.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه به بررسی تأثیر روش‌های مدیریت ریسک و عملکرد سازمانی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای نوآوری در مدل کسب‌وکار پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که رویکردهای مدیریت ریسک نه تنها بر عملکرد مالی، غیرمالی و زیست‌محیطی شرکت‌ها اثر مستقیم و معناداری دارند، بلکه بر فرآیندهای نوآوری نیز تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر، نوآوری در مدل کسب‌وکار نیز به‌صورت مستقیم و قابل‌توجهی بر ابعاد مختلف عملکرد سازمان مؤثر است. این نتایج با پژوهش (یانگ و لین^۱، ۲۰۲۲) که رابطه بین مدیریت ریسک و ارتقای عملکرد نوآورانه را بررسی کرده‌اند، همسو است. همچنین، مطابق با یافته‌های (بندیتو و همکاران^۲، ۲۰۲۰)، مدیریت ریسک می‌تواند به بهبود عملکرد سازمانی و تسریع فرآیندهای نوآوری بینجامد. مطالعه (سوسنا و همکاران^۳، ۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد که نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار نقش اساسی در افزایش بهره‌وری و انطباق با نیازهای بازار ایفا می‌کند. به‌طور کلی، این پژوهش بیانگر آن است که تلفیق کارآمد روش‌های مدیریت ریسک و نوآوری می‌تواند عملکرد کلی شرکت‌ها را ارتقا دهد و توانمندی آن‌ها را در مواجهه با چالش‌های محیطی افزایش دهد. علاوه بر این، نیز بر اهمیت نوآوری در مدل‌های کسب‌وکار به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده در بهبود کارایی و عملکرد سازمان تأکید دارد. درنهایت، این تحقیق بر لزوم ادغام راهبردهای مدیریت ریسک و نوآوری در مدل کسب‌وکار به‌منظور دستیابی به عملکرد مطلوب تأکید می‌کند و نشان

1. Yang and Lin.
2. Benedetto et al.
3. Sosna et al.

4. Khan et al.
5. Doh and Kim.

فرصتهای پیش آمده بهره برداری شود.

همین طور با توجه به تاثیر مثبت مدیریت ریسک بر عملکرد محیطی، مدیران می‌توانند محیط و اکوسیستم پایداری را تضمین کنند و سیاست‌گذاران، تصمیمات متعددی را برای تحریک شرکت‌ها با اتخاذ تدابیری در خصوص بهبود عملکرد اتخاذ نمایند. از آنجا که مدیریت ریسک نقش ویژه‌ای در زمینه‌هایی مانند توسعه اکوسیستم نوآوری، نوآوری محصول در سازمان‌ها دارد بنابراین مدیران می‌توانند ایده‌ها و روش‌های جدید را به شیوه‌ای کنترل‌شده معرفی کنند، اثرات منفی بالقوه را به حداقل برسانند و عملکرد کلی را در طول فرآیندهای تغییر سازمانی افزایش دهند.

از آنجایی که نوآوری مدل کسب و کار به طور قابل توجهی بر عملکرد مالی و غیر مالی سازمان تأثیر می‌گذارد. و چون نوآوری یک پدیده پیچیده است که توسط سازمان‌ها برای رویارویی با تغییرات بازار به منظور انطباق با محیط خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ نوآوری تا زمانی که باعث رشد شود و عملکرد بالا را تضمین کند امری حیاتی و مهم است و می‌تواند تأثیر بیشتری بر رشد و تداوم آنها در بازار داشته باشد.

در محیط تجاری پر سرعت و به شدت رقابتی امروز، شرکت‌ها با ریسک‌های بی شماری روبرو هستند که می‌تواند به طور قابل توجهی بر عملکرد آنها تأثیر بگذارد. عملکرد و پایداری کلی این ریسک‌ها می‌تواند از منابع مختلفی از جمله نوسانات اقتصادی، نوسانات بازار، مقررات نظارتی نشأت بگیرد در نتیجه، مدیریت این ریسک‌ها به یک جنبه حیاتی برنامه ریزی استراتژیک تبدیل شده است و شیوه‌های مدیریت ریسک نقشی اساسی در حفاظت از دارایی‌ها، شهرت و دوام بلندمدت شرکت ایفا می‌کند.

بنابراین نوآوری‌ها می‌تواند رابطه مثبت بین مدیریت ریسک و عملکرد شرکت‌ها را تشدید کند که این امر موجب افزایش سودآوری شرکت‌ها می‌شود و با توجه به این که افزایش هزینه‌های مختلفی همانند آموزش کارکنان یا هزینه‌های تحقیق و توسعه هر چند ممکن است در کوتاه مدت با افزایش هزینه‌ها همراه باشد اما در بلند مدت به دلیل افزایش تمرکز

شرکت و همچنین افزایش سهم بازار و فروش شرکت‌ها می‌تواند سودآوری را به همراه داشته باشد

با شناسایی، ارزیابی و توجه به ریسک‌ها، شرکت‌ها می‌توانند انعطاف‌پذیری و سازگاری خود را افزایش دهند و به آنها اجازه دهند تا با اطمینان در صنعت خود فعالیت کنند بنابراین نوآوری می‌تواند شیوه‌های مدیریت ریسک را بهبود بخشد و بنابراین بر عملکرد محیطی یا غیرمالی کسب و کار اثرگذار باشد.

۹. منابع

دانش کهن حسین، الیاسی مهدی، پيله وری نازنین طباطبایی و بافقی سید محمد (۱۳۹۴). بررسی و اولویت‌بندی عوامل کلیدی موفقیت نوآوری در صنعت پتروشیمی ایران. مدیریت نوآوری. ۴(۴).

درویشی، & رحیمی. (۲۰۱۶). بررسی تأثیر بازاریابی بر عملکرد تجاری با نقش میانجی نوآوری سازمانی (مورد مطالعه: شرکت‌های ساخت و تأمین قطعات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در استان خوزستان). تحقیقات بازاریابی نوین، ۵(۴)، ۱۳۹-۱۶۲.

شریف زادگان، & فاضلی مطلق. (۲۰۲۳). تأثیر روابط مدیریتی بر عملکرد شرکت با نقش میانجی نوآوری مدل کسب و کار و تعدیل -گری آشفتگی محیطی. مدیریت عملیات، ۳(۱۰)، ۴۱-۷۰.

عارف منش، زهره، رامشه، منیژه و شکوهی، حامد. (۱۴۰۱). رابطه بین مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۴(۵۴)، ۷۹-۱۰۰.

عطاری، محمدحسین، بی‌طرف، مجید. (۱۴۰۳). تأثیر قابلیت‌های مدیریت دانش و ریسک‌پذیری سازمانی برای نوآوری مدل کسب‌وکار، فصلنامه مطالعات مدیریت و کارآفرینی، ۱۰(۱)، ۳۸۷-۴۰۶.

- mitigating risks and enhancing organizational performance. *Journal of Business Research*, 123, 45-58.
- Lyle, M. R., Callen, J. L., & Elliott, R. J. (2013). Dynamic risk, accounting-based valuation and firm fundamentals. *Review of Accounting Studies*, 18(4), 899-929.
- Mir, M., Casadesús, M., & Petnji, L. H. (2016). The impact of standardized innovation management systems on innovation capability and business performance: An empirical study. *Journal of Engineering and Technology Management*, 41, 26-44.
- <https://doi.org/10.1016/j.jengtecman.2016.06.002>
- Pierce, Elizabeth M., and James Goldstein. (2018). ERM and strategic planning: A change in paradigm. *International Journal of Disclosure and Governance* 15: 51-59.
- Rabbiosi, L. Lio, G. & Archibugi, D. (2023). The role of business model
- Ricardianto, P., Lembang, A., Tatiana, Y., Ruminda, M., Kholdun, A., Kusuma, I. G. N. A. G. E. T., ... & Endri, E. (2023). Enterprise risk management and business strategy on firm performance: The role of mediating competitive advantage. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(1), 249-260..
- Salamzadeh, A. Mortazavi, S. Hadizadeh, M. & Braga, V. (2023). Examining the effect of business model innovation on crisis management: The mediating role of entrepreneurial capability, resilience, and business performance. *Innovation & Management Review*, 20(2), 132-146 .
- Saunila, M., & Ukko, J. (2014). Intangible aspects of innovation capability in SMEs: Impacts of size and industry. *Journal of Engineering and Technology Management*, 33, 32-46.
- <https://doi.org/10.1016/j.jengtecman.2014.02.002>
- Sosna, M. Trevinyo-Rodríguez, R. N. & Velamuri, S. R. (2010). Business model innovation and firm performance: A study of the relationship between business model innovation, risk management, and firm
- نیکخواه، نوراله؛ رضازاده کارسالاری، عباس، مومنی، علیرضا. (۱۳۹۷)، بررسی تاثیر استراتژی های رقابتی بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش های جدید در مدیریت و حسابداری، سال چهارم، شماره ۶.
- Adam, M. Soliman, A. M. & Mahtab, N. (2023). Measuring enterprise risk management implementation: A multifaceted approach for the banking sector. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 87, 244-256.
- <https://doi.org/10.1016/j.qref.2021.01.002>
- Benedetto, A. D. Della Corte, V. & Iraldo, F. (2020). Risk management and innovation: A systematic review from a resource-based perspective. *International Journal of Business Management and Economic Research*, 11(1), 123-139.
- Bocken, N. M. P. Short, S. W. Rana, P. & Evans, S. (2014). A literature and v practice review to develop sustainable business model innovation. *Journal of Cleaner Production*, 65, 42-56.
- <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2013.11.039>
- Carayannis, E. G., Sindakis, S., & Walter, C. (2015). Business model innovation as lever of organizational sustainability. *The Journal of Technology Transfer*, 40(1), 85-104.
- Doh, J. & Kim, S. (2014). Corporate social responsibility and business model innovation: A comparative study. *Business Ethics: A European Review*, 23(4), 382-396.
- Hopper, G. (2019). The enterprise risk management function in financial institutions. *Journal of Risk Management in Financial Institutions*, 12(4), 328-341.
- Ince, H., Imamoglu, S. Z., & Turkcan, H. (2016). The effect of technological innovation capabilities and absorptive capacity on firm innovativeness: a conceptual framework. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 235, 764-770..
- <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.11.078>
- Khan, T. Ahmed, R. & Khan, M. (2021). The role of business model innovation in

- performance. *Uncertain Supply Chain Management*, 11(1), 227-236.
- Yang, Y. & Lin, C. (2022). The impact of risk management on innovation and performance: Evidence from high-tech industries. *Sustainability*, 14(1), Article 123-138.
- 26) Yepes, V., Pellicer, E., Alarcón, L. F., & Correa, C. L. (2015). Creative innovation in Spanish construction firms. *Journal of Professional Issues in Engineering Education and Practice*, 142(1), 04015006
[https://doi.org/10.1061/\(ASCE\)EI.1943-5541.0000251](https://doi.org/10.1061/(ASCE)EI.1943-5541.0000251)
- performance. *Journal of Business Strategies*, 27(2), 15-27 .
<https://doi.org/10.1016/j.lrp.2010.02.003>
- Valero-Gil, J. Surroca, J. A. Tribó, J. A. Gutiérrez, L. & Montiel, I. (2023). Innovation vs. standardization: The conjoint effects of eco-innovation and environmental management systems on environmental performance. *Research Policy*, 52(4), Article 104737 .
<https://doi.org/10.1016/j.respol.2023.104737>
- Wijaya, N. & Rahmayanti, P. (2023). The role of innovation capability in mediation of COVID-19 risk perception and entrepreneurship orientation to business

Risk Management Methods and Company Performance with the Mediating Role of Business Model Innovation

Fatemeh Samadi ^{1*}, Ehsan Sharahi ²

^{1st} Department of Management, ET.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^{2nd} Department of Management, ET.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Abstract:

Risk management (including risk identification, assessment, and control) and organizational performance are considered critical factors for the success of companies, among which innovation in the business model plays a key mediating role. The aim of the present study is to investigate the impact of risk management on company performance by considering the mediating role of innovation in the business model. The present study is of correlational type in terms of methodology and is among the research with an applied-descriptive nature. The statistical population of this study included 150 companies that have been active in this area and its time period was from the fourth quarter of 1402. In order to collect the statistical sample, purposive sampling method was used and based on the Cochran formula, 108 financial, marketing, and middle managers in the Pishva Industrial Park of Tehran were selected for the statistical population of the study. The library method was used to collect theoretical foundations and background of the research; and then the field method was used to collect data; and the questionnaire used in the research is from the study of Al-Namir et al. (2021). The data were analyzed using confirmatory factor analysis and structural equation modeling in SPSS and PLS software. The research findings show that risk management has a direct and significant effect on all three dimensions of organizational performance (financial, non-financial, and environmental). Also, risk management also affects organizational performance indirectly and through strengthening innovation in the business model. Innovation in the business model acts as a strong mediating mechanism and improves organizational performance in all dimensions.

Keywords: Risk Management Methods, Company Performance, Business Model Innovation.

JEL Classification: G32, M10, O30, M12, L25, G31.